

سرانجام قتل در ایستگاه متروی کرج
حاج آقا "قاتل" است
اما، مهم نیست، تبرئه است!

دادگاه تجدید نظر ویژه روحانیت نیز حکم اولیه دادگاهی را تأیید کرد که بموجب آن یک روحانی قاتل عملاً تبرئه شده است. دادگاه اول و دادگاه تجدید نظر، این روحانی را به سه سال حبس تعزیری محکوم کردند و این تقریباً همان مدتی است که از وقوع قتل می گذرد و بدین ترتیب قاتل می تواند به خانه اش برگردد! (البته تاکنون هم در خانه اش بوده و در زندان نبوده است)

قتل در خرداد سال 84 و در کنار ایستگاه متروی کرج روی داد. خبرگزاری های داخلی که نتیجه رای دادگاه تجدید نظر را منتشر کرده اند، نام کوچک مقتول را نوشته اند، اما نام قاتل را سانسور کرده اند، زیرا روحانی است.

بموجب گزارش های خبری سال 84 که در مطبوعات ایران منتشر شد، قتل در کنار ایستگاه متروی کرج روی داد. مقتول که جوانی 21 ساله بود، با نسخه ای در دست و با هدف پیدا کردن داروخانه برای تهیه نسخه مادر بشدت بیمار خود از مترو خارج شد.

قاتل که مامور عقیدتی - ایدئولوژیک نیروی انتظامی ناحیه بود، به این جوان به بهانه اینکه آستین پیراهنش کوتاه است و به دخترها نگاه می کند گیر می دهد و بدنبال یک مشاجره بسیار کوتاه اسلحه کمری خود را بیرون کشیده و با شلیک گلوله به مغز جوان 21 ساله او را می کشد.

قتل چنان سریع روی میدهد که مردم ناظر بر صحنه نه تنها گریبان قاتل را همانجا می گیرند، بلکه بعداً شهادت می دهند که آن جوان نه مزاحم کسی بود و نه لباس نامناسبی داشت و قاتل نیز درجا به مغز او شلیک کرد.

بعدها و در اخبار و گزارش های پیوستی مطبوعات داخلی از ناراحتی های روانی قاتل نوشتند، اما چون این بهانه ناقص مسئولیت او در نیروی انتظامی بود، آن را پس گرفتند و این قتل نیز در دل انبوه حوادث روز ایران ناپدید شد و زمان از روی آن عبور کرد.

دادگاه اول سه سال حبس تعزیری برای قاتل برید و دادگاه تجدید نظر نیز همان حکم را علیرغم اعتراض مادر مقتول که یگانه فرزندش را از دست داده است تأیید کرد. هر دو حکم را دادگاه ویژه روحانیت صادر کرد، زیرا حاج آقا اهل لباس است! حتی او را خلع لباس هم نکردند و او در خرداد 87 (چند ماه دیگر) می تواند به سر کار و مسئولیتش باز گردد.

این نیروی انتظامی و این دادگاه می تواند تامین کننده امنیت و پاکسازی جامعه از اوپاش، باج گیران و اراذل باشد؟

آن یکی پرسید اشتر را که هی
از کجا می آئی؟ ای فرخنده پی
گفت از حمام گرم کوی تو
گفت این پیداست از زانوی تو

مادر فرزند از کف داده و ظلم دیده، از دادستان ویژه روحانیت که در کیفرخواست اولیه خود- متأثر از فضای عمومی و فشار مطبوعات وقت- تقاضای قصاص در این پرونده کرده بود، حالا بار دیگر خواسته است دادرسی را اعاده کند و بار دیگر محاکمه از سر گرفته شود.

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
آنچه البته به جانی نرسد، فریاد است!